

کبوتران مهاجر ایل

نامہ روزمرہ بر آداب و رسوم طائفہ ایلخاص
(باصری)

گردآوری:

پنجعلی یوسسیان باصری

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل اول
۲۲	مدیریت و قوانین ناکم بر ایلام
۲۶	سرگذشت دو برادر و مهاجرت آنان به اصفهان
۲۷	اتفاق ناگوار در هجرت
۲۷	فرزندان این دو برادر
۲۷	ازدواج پسران علی اکبر
۲۷	ازدواج پسران محمد یوسف
۳۱	بعد از مهاجرت
۳۳	پیش نهاد خطرناک
۳۶	قضاوت در تاریخ
۳۹	انقراض سلسله‌ی قاجار
۴۰	جلوس پهلوی
۴۰	مرگ صولت‌الدوله در زندان قصر
۴۲	اسکان عشایر از جمله طایفه‌ی ایلخاس
۴۳	یک مشاهده‌ی عینی
۴۵	موضوع لباس
۴۵	مقایسه‌ی رژیم قاجار با پهلوی

- ۴۷ سقوط رضاشاه و روی کار آمدن پسرش
- ۴۸ جنگ سمیرم
- کربلایی عیوضعلی یوسفیان
- ۴۹ سرپرست طوایف باصری اصفهان
- ۵۰ خان دیگری از دره‌شوری
- ۵۱ شمه‌ای از روز غارت
- ۵۳ آوارگی بعد از غارت
- ۵۶ خاطره‌ای از روز غارت
- ۵۹ ملت مهاجرت
- ۵۹ مهاجرت به سوی فارس
- ۶۱ اتفاق ناگو
- ۶۲ اولیای قسلا
- ۶۲ رفتن فامیل یوسفی به گرمسیر
- ۶۳ بیلاق و قشلاق و رسم شیمی طایفه
- ۶۴ تحول مذهبی
- ۶۵ علت آشنا نبودن عشایر به مسائل دین
- ۶۶ اتفاقی که پیام‌آور بود
- ۶۲ انقلاب اخلاق اسلامی
- ۶۹ علت اسکان عشایر و طایفه‌ی ایلخاص
- ۷۱ خانواده‌ها و اولاد آن‌ها
- ۷ تاریخ نباید تکرار شود
- ۷۱ یادی از دوران عشایری
- ۷۰ ورزش هنری و هنر دستی
- ۷۴ خاطراتی از محمدحسین خان اسفندیاری
- ۷۵ سران ایل باصری
- ۷۶ نرخ اجناس، نود سال قبل
- ۷۶ سال آنفولانزا یا طاعون

۷۷	بلای دیگر هجوم سربازان انگلیس
۷۷	غیرت ایلی
۷۸	سران ایل فارس
۷۹	به سلطنت رسیدن رضاشاه
۸۰	غارت ایل باصری بوسیله‌ی خان قشقایی
۸۱	بار دیگر غارت
۸۱	نهضت جنوب
۸۲	نامه‌ی ضرغامی از بند خان قشقایی
۸۳	سفر مه و نوشته‌ی ناشناسان از غارت بیضا
۸۴	تلگراف تظلم
۸۶	نامه‌ی تشنه به روزنامه‌ی پارس
۸۶	زندگی‌نامه محمدخان ضرغامی
۸۷	بعد از پرویزخان، آخرین کابینه ایل باصری
۸۸	سندی از آزادی محمدخان ضرغامی
۹۰	حسنعلی‌خان، کلانتر ایل باصری
۹۱	رفع ابهام
۹۱	یادی از مرحوم محمد ضرغامی و خدمات ایشان
۹۵	موضوعی دیگر

۱۳ فصل دوم: کبوتران مهاجر ایل (شهدا)

۴۰۵ فصل سوم: آداب و رسوم طایفه‌ی ایلخاص

۴۰۷	از تولد تا وفات
۴۰۸	تشکیل مکتب‌خانه در طایفه
۴۱۰	شغل، مسکن و ازدواج
۴۱۱	طریقه‌ی خواستگاری
۴۱۲	جلسه‌ی عقد و بله برون

۴۱۳	جشن عروسی
۴۱۵	آوردن عروس
۴۱۸	مراسم پاواکنی عروس
۴۱۹	ختنه کردن پسران خردسال
۴۲۰	مراسم فوت
۴۲۱	آیین و آداب دامداری در طایفه‌ی ایلخاص
۴۲۲	شرایط و زمان زاییدن گوسفندان
۴۲۴	چیدن پشم گوسفندان و موی بزها
۴۲۷	گاه کردن بره‌ها و کهره‌ها
۴۲۸	تهیه ظروف لبنیات و مشک ماست زدن
۴۲۹	مشک زدن
۴۳۱	ساخت مشک آب و مشک ماست
۴۳۳	تهیه پنیر
۴۳۴	صاف کردن کره
۴۳۵	بیرون آوردن روغن پنیر پوست
۴۳۶	ساختن انبان یا همبونه
۴۳۶	طرز تهیه و نگهداری گوشت بری زمستان
۴۳۷	دوخت جل شتر
۴۳۸	دوخت جهاز شتر
۴۳۹	ساختن افسار
۴۴۰	مراقبت و نگهداری شتر
۴۴۱	کوچ
۴۴۶	سفرنامه بیت‌الله الحرام

مقدمه

آحاد طایفه ایلخاص خود را مدیون نیاکان و اجدادشان می دانند. مردان و زنانی که در دشواری‌ترین شرایط، همگی انسانیت را پذیرفتند، دین و اعتقاد خود را حفظ کردند و از عدالت و اعتدال سارج نشدند. تاریخ آنان نشان می دهد که گذشتگان این طایفه در مواجهه با هرج و مرج ها، امنی ها و غارت ها؛ وارد هیچ مناقشه ای نشدند و در هر مرحله ای مهاجران را ترجیح دادند. ولایت به ولایت و استان به استان رفتند، آسیب فراوان دیدند اما دست از آرمان پاك و مقدس خود بر نداشتند و امروزه تحت تأثیر همان باورها و رفتارها یکی از سالم ترین اقشار جامعه اند.

در فرهنگ تشیع فاخرترین گوهر، شهیدان است و شهید والاترین مقام. شهید مقامی است همیشه زنده و جاوید. طایفه ایلخاص مفتخر است که از این نعمت بی بدیل الهی بهره فراوان برده است. در دوران جنگ تحمیلی، طایفه ایلخاص یک پارچه به دفاع از دین و میهن پرداختند و دین خود را به خوبی احیا کردند و هیچگاه پشت به دشمن نکردند. ۶۵ نفر شهید دوران دفاع مقدس و ده ها جانباز، شریک همان باورها و رفتارهای درست است که اجداد این طایفه به عنوان راهبرداران دینی اتخاذ کرده اند و تاکنون بدان پایبند و پایدار بوده و مانده اند.

نگارنده این نوشتار، حاج پنجعلی یوسفیان که از معمرین این فامیل است زندگی بسیار ساده و معمولی دارد. انسانی است متدین، فرهیخته و با دانش که حتی در دوران کهولت از مطالعه و نقد، غزل سرایی و تدوین مطلب دست بر نمی دارد. وی سواد مکتبی دارد و روزگاری هم، مکتب دار و ملای فامیل بوده است اما از معلومات درخوری برخوردار است. ایشان در سال ۱۳۹۱ توسط جامعه دانش آموختگان طایفه ایلخاص به همراه جمعی دیگر به عنوان یکی از پیشکسوتان فامیل مورد تجلیل قرار گرفت. حاج پنجعلی اشعار فراوانی دارد و ملقب به شاهد است. «دیوان

شاهد» وی که آماده چاپ است، مالا مال از اشعار پر محتوا، حماسی، تاریخی، مذهبی و به زبان‌های فارسی و ترکی می‌باشد. دیگر اثر ایشان، «طنزها و لطیفه‌ها»، مشتمل بر ۱۸۰ داستان کوتاه، مستند و خواندنی است. دغدغه او برای فرهنگ طایفه و حفظ زبان مادری ستودنی است و...

این مجموعه نیز تحت عنوان «کبوتران مهاجر ایل با مروری بر آداب و رسوم طایفه ایلخاس باصری»، ضمن نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی ایلی و گذشته طایفه، فرهنگ ایلخاس را از گذشته‌های دور تبیین می‌کند. برای آنان که نگاهی به گذشته دارند، برای دانشجویانی که به دنبال پژوهش و کسب دانش بیشتر هستند و یا در صدد یافتن موضوعی برای پایان نامه‌های تحصیلی خود می‌باشند، برای نسل جوان و افراد دانش‌آموخته طایفه، برای علاقمندان به فرهنگ و به ویژه برای افرادی که فرهنگ ایثار و مقاومت را پیگیر هستند مفید خواهد بود. فصل دوم، به هدایای طایفه، نوازهایی از وصایای آنان اختصاص دارد که همگی آموزنده است. دودمانی است که این مطالب توسط مؤلف نوشته شده است ولی تاکنون زمینه چاپ و انتشار آن فراهم نشده بود. اینک به مدد همکاری تعدادی از دوستان، به ویژه با مساعدت آقای هاشم محمد رضا اکبری نشر یافته است. اینجانب نیز ضمن بازخوانی، در فصل بعدی، به تدوین سازی برخی اطلاعات و گاه تغییرات محتوایی به گونه‌ای که به اصل مجموعه اضافه وارد نشود، اصلاحاتی اعمال نموده‌ام.

علی اکبری (حاج تقی)

پیشگفتار

به نام خداوند دانای راز نمایم کنون دفتر خویش باز

مجموعه‌ای را که پس از رویداد، مشتمل بر سه فصل است که فصل نخست آن، به شرح حال دو برادر به نام‌های: محمد یوسف و علی اکبر و نوادگان آنها اختصاص دارد. علاوه بر این، شمه‌ای از شرح حال طایفه‌ی ایلخا‌ص که یکی از طوایف ایل خمسه‌ی فارس به شمار می‌آید، در این فصل بازکر شده است.

عناوین دیگری هم، موضوعات مذکور در فصل دوم کتاب است:

- زندگینامه و فرازی از وصیت‌نامه‌های شیخ ابراهیم رانقدر ایلخا‌ص

- معجزه‌ای در جبهه

فصل سوم با تبیین آداب و رسوم طایفه‌ی ایلخا‌ص و سپس سفرنامه‌ی بیتا... الحرام به پایان می‌رسد.

آن گونه که از بزرگ‌ترها نقل شده است، حدود دو قرن قبل، در الوا‌یت بزرگ فارس و در میان ایل باصری، این دو برادر، محمد یوسف و علی اکبر، چشم به جهان می‌گشایند. در هنگام نگارش این کتاب، تاریخ مذکور، به حدود سال ۱۲۱۰ شمسی برمی‌گشت. طبیعی است که این دو برادر، با فاصله‌ی سنی معقولی به دنیا آمده‌اند. هیچ گونه مدرک و سند کتبی وجود ندارد که تاریخ تولد این دو کودک را به صورت دقیق تأیید کند، اما نقل قول گذشتگان که سینه به سینه به نسل امروز رسیده، چنان به هم نزدیک است که هرگونه تردید را از بین می‌برد. گفته‌های کسانی که امروز خود را جزو نتیجه و نبیره‌ی برادران مذکور می‌دانند نیز، همین ادعا را تأیید می‌کنند. اینجانب هم، با تکیه بر همین شواهد و قرائن شفاهی و نقل قول‌های معتبر،

اقدام به نوشتن این کتاب نمودم و عقیده دارم که بیان سرگذشت این دو برادر و طایفه‌ی ایلخاس، خالی از لطف نیست و می‌تواند نوعی درس عبرت تلقی شود. همه می‌دانیم که سرانجام این عمر چند روزه، مرگ و سفر به دنیای جاودان است. آنانکه با تبعیت از احکام الهی و قرآن کریم، ترک محرمات و عمل به واجبات را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده و در فراز و نشیب زندگی تسلیم زر و زور نشده‌اند، به مصداق آیه‌ی شریفه‌ی: *وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ*، نزد خداوند از جایگاه والا‌یی برخوردارند. به همین دلیل، مردم طایفه‌ی ایلخاس، به لحاظ رعایت شئون اخلاق اسلامی و انسانی، همچنین به دلیل اعتقادات مستحکمی که دارند و عملاً خود را موظف، به انجام آن می‌دانند، نمونه بارزی از چنین مؤمنانی هستند.

آن کسانی که در این دنیای زود گذر از اوامر الهی سربلندی کرده، فریب زرق و برق مادی، دنیا را خورده و با تعرض به جان و مال و ناموس مردم مظلوم و بی دفاع، سرگرم خوندگی، رانی و عیاشی خود شدند، قبل از اینکه به آمال پلید خود برسند، مورد خشم خدا قرار گرفته، پنجه‌ی مکافات حلقومشان را فشرده و طومار عمر ننگینشان را هم پیچیده شده است؛ *إِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلَحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ*.

آری، سرنوشت این دو گروه که ذکر شد، در سرگذشت همین طایفه و یا دو برادر تبلور یافته که در این کتاب برای آگاهی سالکان راه حقیقت و عبرت تجاوزگران آورده شده است. *فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِی الْأَبْصَارِ*.

از مجموع اطلاعات به دست آمده، روان گفت که، محمدیوسف و علی اکبر فرزندان محمدقلی ابن علی نقی ابن قاسم خان و بنایه قولی ابن عیسی خان بوده‌اند.

اولین بار در سال ۱۳۱۲ شمسی در زمان حکومت رضاشاه مقرر گردید که برای ایرانیان شناسنامه یا سجل احوال صادر گردد. نای علی اکبر، نام خانوادگی اکبری و اولادهای محمدیوسف، شهرت یوسفی را در شناسنامه‌ی خود ثبت کردند. در حال حاضر نیز، این دو فامیل بزرگ، به اکبری و یوسفی مشهورند. در عین حال، تعداد اندکی از افراد این طایفه که هنگام گرفتن شناسنامه، سبب این هویت قبیله‌ای و طایفه‌ای نبودند، شهرتشان در شناسنامه جدید، تورجی و عواطفی نژاد و رضایت‌فام قید شده است.

در زمان مهاجرت این دو برادر، چند خانوار از طایفه‌ی ایلخاس به ورامین تهران، روستاهای باغ خواست و حسن آباد رفته و در همانجا ساکن می‌شوند. بعضی از آنها سپس به تهران می‌روند و مقیم مرکز می‌شوند. این گروه، طبق مندرجات شناسنامه به قشقای شهرت می‌یابند. مسن‌ترین آنها مرحوم حاج امرالله بود که اخیراً فوت

کرد. البته اجداد آنها به قبل از علی اکبر و محمدیوسف بر می گردد. بنا به قول گذشتگان، در موقع مهاجرت، بیشتر طایفه‌ی ایلخاص به استان کرمان رفته‌اند. در پاییز سال ۱۳۷۹ نگارنده با یک نفر از بستگان نزدیک، چند روزی جهت کسب اطلاع از سرنوشت آنها در شهرهای کرمان به جست و جو پرداختیم؛ ولی اطلاعی به دست نیاوردیم. از قرار معلوم، آنها از اولاد تلیم خان و سلیم خان بوده‌اند؛ العهده علی‌الراوی.

زبان مادری این طایفه از همان زمان سابق ترکی بوده است. با کمال تأسف، نسل امروز اغلب از زبان مادری خود که ترکی بوده، گریزانند و به فارسی صحبت می‌کنند. اگر بنیان‌سازان اجمع به این مسئله بی‌تفاوت باشند، به طور حتم نسل آینده از قدرت تکلم به زبان ترکی بی‌بهره خواهند شد. اینجانب اشعاری را در این مورد سروده و در دیوان خود «نام گنجینه‌ی شاهد ثبت نموده‌ام؛ ولی افسوس که نسل آینده به دلیل عدم آشنایی به زبان ترکی قادر نخواهند بود آنچه را که بنده با عشق و احساس سروده‌ام، دریافت کنند و منظور و مقصود را دریابند.

مطالب این کتاب از سال ۱۳۱۵ شمسی هم خود شاهد و ناظر جریان و سرگذشت این طایفه بوده‌ام. از این رو، تلاش شده است تا موضوع با دقت کامل و بدون غرض و تعصب تحلیل و بررسی شود. همان طور که پیشتر نیز ذکر شد، فصل اول که مربوط به دوران قبل از انقلاب و فصل دوم نیز، تبلوری از یادواره‌ی شهدای طایفه و نرازهایی از وصیتنامه‌ی آنان است که خود می‌تواند بهترین رهنمود و سرمشق زندگی برای هر فرد مسلمان باشد. با بیان معجزه‌ای در جبهه و بررسی آداب و رسوم طایفه ایلخاص و سفرنامه‌ی حج، مطالب کتاب خاتمه می‌یابد.

ناگفته نماند چون بنده فقط دو سال در مکتب‌خانه‌ی قدیم عشایر دیلم خوانده و تنها خواندن و نوشتن را یاد گرفته‌ام، لذا آن گونه که شایسته است، بذاعت علمی ندارم که مطالب را مانند نویسنده‌ای مجرب، ساماندهی نمایم. به همین دلیل، خوانندگان محترم این ضعف را نادیده گرفته و به گونه‌ی مطلوب که متکی بر دیدگاه معنوی است توجه و از نواقص موجود، چشم‌پوشی نمایند.

پنجعلی یوسفیان باصری